



سید سمندر شاه نعمتی

۲۳ جون ۲۰۱۶

### خود سازی، زیر ساخت میهن سازی

"میهن سازی" ندای همیشگی افغان های میهن پرست است. به باور من شرط بنیادی میهن سازی "خود سازی" می باشد. در این جا منظور از "خود سازی" ساختن شخصیت انسانی است.

#### شخصیت در فلسفه

در فلسفه "شخصیت" مرکب از دو اصل است:

(۱) اصل طبیعی و ارثی،

(۲) اصل اکتسابی و وضعی

اصل طبیعی و ارثی عبارت از نیروی مهر و محبت بوده که از بدو تولد تا رسیدن به دگرگونی های ذاتی در نهاد انسان مراحل را پیموده و در سیر تکاملی در حد مفرط عشق را عنوان می بخشد. اصل اکتسابی و وضعی عبارت است از فراگیری علم و هنر که آنرا انسان از آغاز سنین اولیه به طور مستقیم از محیط خانوادگی و اجتماعی فرا گرفته و در مسیر حیات خویش به ارتقا و گسترده گی آن می افزاید.

همچنان شخصیت انسان را می توان در دو دسته ارزیابی کرد:

(۱) شخصیت فردی،

((۲) شخصیت اجتماعی

شخصیت فردی از ترکیب دانش فردی و محبت مجازی، و شخصیت اجتماعی از ترکیب دانش اجتماعی و محبت حقیقی شکل میگیرد. در محتوی جوهر اصلی طبیعی شخصیت انسان نیروی مهر و محبت هویت محوری داشته و این نیرو باعث ازدواج زن و مرد میگردد. از این طریق در اثر مقاربت های جنسی به تولید نسل پرداخته، بقای خود را در تکامل و رشد تضمین میکند. در نتیجه انسان قادر میگردد که در هستی تحقق پذیر گردد.

#### اشکال تبارز مهر و محبت

در بستر تکامل انسان نیروی مهر و محبت در دو حالت تبارز میکند:

۱) در حالت مجازی،

۲) در حالت حقیقی

در حالت محبت مجازی، انسان به منظور نیل به اهداف نزدیک خویش به محبت پردازای پرداخته و در وضعیت محبت حقیقی، انسان اهداف دور خود را دنبال میکند. برای روشن شدن این دو مطلب، دو پروانه را در نظر بگیریم، که مهر ورزی با جفتش، مهر ورزی مجازی است. ولی هر گاه پروانه با نور و فروغ مهر میورزد، این مهر ورزی حقیقی شمرده میشود. این امر در دنیای انسان ها دارای هویت و ماهیت مشابه است. زمانی که انسان با زوج خود مهر میورزد، این مهر ورزی مجازی است. هر گاه انسان با هموعان خود مهر میورزد، این مهر ورزی حقیقی بشمار میرود. در مهر ورزی مجازی انسان هدف نزدیک خود را، یعنی تولید نسل را پی ریزی میکند، ولی در مهر ورزی با انسان های دیگر می کوشد که از مرز مشترک خویش، "انسانیت" را تقویت و ارتقا بخشد.

طوری که تذکر رفت در پی ریزی مهر ورزی مجازی، انسان به تولید نسل پرداخته و در این فرایند فرزندان خود را در وجه تسمیه "حمید یا حمیده، محمد و یا محموده" نام نهاده و آنان را به شخصیت اجتماعی خویش تحویل میدهد. در شخصیت اجتماعی این فرزندان آدم تحت آموزش و تربیت قرار گرفته و سر انجام به دیگرگونی های صفات روبرو می شوند. در فرایند دیگرگونی صفات انسان "بودن" خود را به "شدن" ارتقا بخشیده و القاب شیمی دان، فیزیک دان، دکتر و غیره را کسب میکند. به این ترتیب انسان میتواند بوسیله دانایی خود از یکطرف وجه برتری خود را بر دیگر موجودات به اثبات رساند و از جانب دیگر انسانیت خود را با مهر ورزی حقیقی با هموعان خود و دیگر موجودات طبیعی مشخص کرده و به اهداف نهایی و دور خود دست یابد. بدین گونه انسان در بحر مهر ورزی حقیقی خویش انسانیت را عمق و پهنای درخشنده و عالمانه میدهد.

مهر ورزی مجازی انسان میتواند در ایجاد سوخت و ساخت نقش ایفا کند و در سوخت و ساخت به حفظ زندگی بپردازد. در سوخت که عمر طبیعی انسان صد و چهل سال گفته شده است، به پایان میرسد، ذات انسانی به ذات جمادی تغییر کرده، در دنیای جامدات به زندگی میپردازد. اما در ساخت شخصیت اجتماعی خود را می سازد، و در این شخصیت زندگی خود را محفوظ میدارد و برای همیشه جاودان میماند. بیش از شش میلیون انسان های که روی کره زمین زندگی میکنند، زندگی اجتماعی را شاهد خواهند بود.

ساخت پیش از سوخت صورت میگیرد. برای روشن شدن این مطلب پدر و مادر را در نظر میگیریم که در بود ازدواج فقط دو نفر بوده و در جریان زندگی مشترک خویش، در صورتی که کدام عامل غیر طبیعی مانع نگردیده باشد، در اثر محبت مجازی و مقاربت های جنسی میتوانند چندین انسان دیگر را تولید کرده، به شخصیت اجتماعی خود تحویل دهند و شخصیت اجتماعی با کمایی کردن صفات دانشور و هنرمند میتواند جامعه را به سوی کفائی سوق دهد. زیرا افراد به تنهایی همه کاره و خود کفائی نبوده، می کوشند که از طریق تخصص و فن در یکی از علوم نقش خود را با سیر تکاملی جامعه هم آهنگ ساخته و در اثر مبادله ای دست آورد های علمی و هنری حاجات شخصی و نیازهای اجتماعی خود را بر آورده سازد. این روش مهر ورزی مجازی و حقیقی موجب میگردد تا انسان ها از یک طرف زندگی اجتماعی را نظم و سامان مدنی بخشند و از جانب دیگر بر خودخواهی ها و برتری طلبی ها خط بطلان کشند.

چگونگی تشکل نظم مدنی

نظم مدنی در یک جامعه در حقیقت از اتحاد و هم بستگی افراد در تشکل اجتماعی بوجود می آید. چون در تشکل اجتماعی افراد به دست آورد ها همدیگر نیاز داشته، مقام، موقعیت علمی و هنری و تولیدی یکدیگر را بدیده حرمت می نگرند. افراد انسانی نمیتوانند خود را بر دیگری تحمیل کرده و یا خود را برتر از دیگران بدانند. بنابر این شخصیت فردی و شخصیت اجتماعی انسان لازم و ملزوم یکدیگر اند. هر گاه از آن دو، یک شخصیت به محدودیت گراید، شخص دیگر نیز محدود گردیده و نظم اجتماعی از هم می پاشد. این در هم پاشیدگی شیرازه بندی نظم مدنی را از بین میبرد و در جامعه ویرانی را بیار می آورد.

در نتیجه زمانی که صحبت از بازسازی و نوسازی در افغانستان به میان می آید، نخست این پرسش مطرح میگردد، که چه کسانی میتوانند، پروژه های بازسازی را طرح و تطبیق نمایند؟ آیا ویران گران که محبت شان به مهر ورزی مجازی محدود بوده و از محبت حقیقی بی بهره اند. به یقین پاسخ این پرسش را می توان در واقعیت ها و رویداد های سه دهه ای اخیر در افغانستان جستجو کرد که بازیگران در کار زار سیاسی کشور فاقد شخصیت اجتماعی بوده و به کشت و قتال پرداخته اند. بنیادی ترین موضوع برای بازسازی و انکشاف کشور امر ایجاد شخصیت اجتماعی افغانستان است. این شخصیت متشکل از هم بستگی عناصر صاحب نظر، با تجربه مسئولیت پذیر و نیرو های فنی و مسلکی است که اهلیت و ظرفیت عالمانه و ملی داشته باشد. در حقیقت می توان اذعان داشت که دلیل در هم پاشی نظم ملی و ویرانی روز افزون فعلی به علت خلای موجود شخصیت اجتماعی است که متشکل از هم بستگی افراد باشد. با موجودیت یک همچنین شخصیت اجتماعی افغانستان است که میتوان با استفاده از توانایی و استعداد های طبیعی و انسانی میهن عزیز را باز سازی کرد. چون بدون خود سازی، بازسازی افغانستان غیر ممکن خواهد بود.